

فقه سیاسی رؤیت هلال؛ بازتاب آن در افکار سیاسی ایرانیان

ابراهیم بزرگر

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

دلایل اختلافات رؤیت هلال در آغاز و پایان رمضان و اول شوال و اعلام روز عید فطر چیست؟ پیامدها و وجوه روان‌شناختی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اندیشه‌شناختی آن بر جامعه، مردم و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ بازتاب آن در دهکده جهانی و در جهانی که دیدگاه‌ها و اختلافات دارای پژواک جهانی است، چه‌گونه است؟ آیا راه برون‌شدی از این وضع می‌توان یافت؟ در مقاله حاضر ضمن طرح مسأله در قالب فقه سیاسی، کوشش می‌شود تا ملاحظه و تأمل در خصوص تبعات منفی و چندین‌وجهی این پدیده را، به‌مثابه «بازخورد فقهی» منفی برای تجدید نظر در شیوه اعلام رؤیت هلال به

سبک جاری، ضروری جلوه دهد. همچنین طرح‌هایی برای برون‌رفت از وضع جاری در چارچوب مباحث فقهی ارائه می‌شود. البته آثار منفی اختلافات، در موارد گوناگون، بر مبنای مشاهدات عینی و شنیده‌های نگارنده و دانشجویان طرف مصاحبه^(۱) و نظرسنجی‌های آنان و در نهایت تحلیل آنها گردآوری و تدوین شده است.

واژه‌های کلیدی: فقه سیاسی شیعه، حکم حکومتی، یقین شخصی، حکم‌شناسی، موضوع‌شناسی فقهی، نظام سیاسی دینی و حوزه‌های علمیة نجف و قم.

طرح مسأله

رؤیت هلال در ایران و در فقه سیاسی معاصر شیعه به یک «مسأله» مبدل شده است. اگر بخواهیم بر مبنای «مسأله‌محوری»، اندیشه سیاسی ایران معاصر را پیگیری کنیم در می‌یابیم که موضوع به چند دلیل به یک مسأله در فقه سیاسی تبدیل شده است و آخرین گواه صدق این مسأله‌ساز شدن، بحران بر سر مصداق عینی عید فطر آذر ۱۳۸۲ / سؤال ۱۴۲۴ است. زیرا بعضی از مراجع عظام از جمله حضرات آیات بهجت و فاضل لنکرانی روز سه‌شنبه چهارم آذر آن سال (مصادف با سی‌ام رمضان) را عید فطر اعلام کردند و برخی دیگر از جمله مقام معظم رهبری روز چهارشنبه پنجم آذر را عید اعلام نمودند. البته این‌گونه ناهماهنگی‌ها در تعیین و یا اعلام نابهنگام رؤیت هلال سؤال سال‌های ۱۴۱۲ تا ۱۴۱۶، ۱۴۱۸ تا ۱۴۲۲ و رمضان ۱۴۱۹ نیز مشاهده شده است^(۲) که در این باره چند نکته گفتنی است:



الف. اختلافات فقیهان در مسائل نظری و ابواب فقهی، امری بدیهی و طبیعی است اما اگر به تبعات عملی این اختلافها توجه شود که البته منحصر به دیدگاههای نظری نیست و در ادامه مقاله حاضر وجوه گوناگون آن بیان می‌شود، اندکی از وجه مسأله‌سازی آن آشکار خواهد شد.

ب. افزون بر آن، با توجه به این حکم فقهی که اجماع فقیهان بر آن اند که «روژه روز اول ماه شوال (عید فطر) حرام است»، وجه مسأله‌سازی اختلافات فقهی آشکارتر می‌شود. زیرا جامعه متدینان را با حیرتی اضطراب‌آور آن هم در انتهای ماه مبارک رمضان که سرشار از پرورش شاکله اطاعت پروردگار است مواجه می‌کند، به گونه‌ای که آنان نمی‌دانند آیا مکلف‌اند آخرین روز این ماه را به عنوان یک روز واجب روزه بگیرند یا اینکه آن را روز اول شوال و عید فطر که روزه آن حرام است محسوب دارند و بنابراین چالش واجب یا حرام بودن روزه‌داری در این روز، آنها را در وضعی معلّق میان زمین و آسمان نگاه می‌دارد و آنان را عملاً به تضاد اضطراب‌آوری سوق می‌دهد.

ج. شاید بتوان اذعان کرد که در دوره امام خمینی رحمه الله علیه چنین مسأله‌ای بندرت بروز و ظهور داشته ولی در چند سال اخیر بیشتر مسأله‌ساز شده است.

دلایل بروز مسأله

۱. حساسیت اعلام آغاز ماه مبارک رمضان و ختم آن و شروع اول شوال المعظم بیش از سایر ماه‌ها است. زیرا در آن دو مقوله متضاد اطاعت و

معصیت در مصداقی واحد جمع می‌شود و آثار روانی و اضطراب‌آوری بر جامعه وارد می‌کند. قرار گرفتن شب‌های قدر در این ماه، گواه دیگری بر اهمیت موضوع و جابه‌جایی این شب‌ها نیز خود عامل مسأله‌ساز دیگر است.

۲. این‌که گفته‌ایم در دورهٔ زعامت امام خمینی رحمه الله علیه کمتر شاهد بروز مسألهٔ مورد بحث بوده‌ایم نیز ریشه در آن دارد که ایشان در آن هنگام مرجعیت بلامنازع داشتند و بنابراین طبیعی بود که نظریات متعارض در سایه قرار گیرد، لذا امکان تبدیل موضوع به مسأله وجود نداشت؛ بویژه آنکه مقلدان و پیروان آرای رقیب، محدود بودند. اما در زمان حاضر و به دلیل تکرر مراجع تقلید، بالطبع شاهد تقسیم‌بندی مقلدان به تناسب مراجع عظام هستیم و چون هر گروه از پیروان یک مرجع، توابعی از نظریات مراجع خویش‌اند خود این موضوع موجب ایجاد مسأله می‌شود.

۳. حضور فقه سیاسی در قدرت موجب شده است تا دامنهٔ اختلاف سلیقه‌ای که از دیرباز در بین فقیهان وجود داشت به جامعه نیز تسری یابد و امام خمینی رحمه الله علیه به این نکتهٔ ظریف چنین اشاره می‌فرماید: (۳)
 کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف... اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی، حرف‌های فقهاء و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است؛ چراکه نیاز عملی به این بحث‌ها و مسائل است.

۴. دلیل دیگری که می‌تواند برای مسأله‌ساز شدن موضوع مطرح شود،



مراعات نکردن برخی استفتاهای راهگشای امام (ره) است که در این باره از ایشان صادر شده است و آن بزرگوار اطمینان شخصی هر فرد را میزان در نظر می‌گرفتند که فی‌المثل می‌توان به استفتای شماره ۷۴ از مجموعه «استفتائات» ایشان اشاره کرد:^(۴)

۱. در این جمهوری اسلامی اگر رادیو خبر بدهد که در تهران یا قم ماه را

دیده‌اند، آیا مسلمان‌ها در سرتاسر ایران می‌توانند عید کنند یا نه؟

۲. اگر حاکم شرع حکم کند که فرداً مثلاً عید فطر است آیا همه مسلمانان

در سرتاسر ایران می‌توانند عید کنند یا نه؟

جواب [سؤال] ۱. اگر اطمینان پیدا شود به رؤیت هلال، از هر طریق

که باشد، نسبت به آن بلد و بلاد هم‌افق و بلاد غربی حجّت است.

جواب [سؤال] ۲. حکم مسأله قبل را دارد و حکم حاکم نسبت به

بلاد مذکوره مطلقاً حجّت است.

ذیل مسأله ۱۷۳۱ توضیح المسائل امام (ره) نیز چنین است:^(۵)

اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است کسی هم که تقلید او را نمی‌کند

باید به حکم او عمل کند. ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده،

نمی‌تواند به حکم او عمل کند.

تلقی نگارنده از مطالب مذکور این است که به‌طور کلی در این‌گونه موارد

میزان، اطمینان علمی فرد است.^(۶)

مرحوم علامه ملا احمد نراقی - به عنوان نظریه پرداز ولایت فقیه و

عالمی که برای نخستین بار این تعبیر را به کار برده و در زبان سیاسی اسلام

وارد ساخته است^(۷) - در شرح وظایف ولی فقیه از جمله در بیان مثال برای

مصادیق حوادث واقعه آورده است: «در صورتی که بر فقیه رؤیت هلال به

اثبات برسد و در این باب فقط در وجوب صوم [حکم] دهد رجوع به وی و



اطاعت از او واجب است»،^(۸) و ظاهراً آن را از مصادیق حکم حکومتی می‌داند.

گرچه شهید ثانی رؤیت هلال رمضان را بر کسی که شخصاً آن را مشاهده کند یا دو شخص عادل به آن شهادت دهند یا به‌طور کلی رؤیت آن شیوع یابد قابل اثبات می‌داند، همچنین معتقد است چنانچه بین حکم حاکم با علم شخص مبنی بر رؤیت هلال تعارضی بروز کند، در این حالت حکم حاکم نافذ نیست و آورده است: «ولا یشرط حکم الحاکم فی حق من علم به.»^(۹)

به هر تقدیر، حکم به ثبوت مشاهده هلال از سوی فقها به عنوان نایبان عامّ حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و یکی از وظایف آنان بخشی از حقوق و وظایف ایشان در مقابل حاکمان است که به رسمیت شناخته شده است و به‌طور معمول این امور اجرایی بدین شرح برشمرده می‌شود:^(۱۰)

- الف. اخذ خمس و زکات و مصرف آن در اموری که شرع تعیین کرده است؛
- ب. تولیت موقوفات خاصّه و عامّه که برای همه مسلمانان وقف شده است؛
- ج. ولایت بر یتیمان بی سرپرست، غایبان و مفقود الاثرها؛
- د. انجام امر به معروف و نهی از منکر، حتی مراتب بالای آن که منجر به ضرب و جرح و قتل می‌شود؛
- ه. قضاوت در دعاوی و منازعات مردم؛
- و. اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی؛
- ز. حکم به ثبوت هلال.

بدیهی است بندهای (د) و (و) به فقیهانی راجع است که از قدرت اجتماعی کافی برخوردار بودند. نظیر مرحوم سید محمدباقر شفتی در اصفهان که خود به نوعی یک حکومت در درون حکومت فاجار تشکیل داده بود.^(۱۱)

از منظر شاهان صفوی، قاجاری و حتی شاهان دنیوی‌گرای پهلوی، اعلام حکم ثبوت رؤیت هلال تعارضی با اقتدار آنان نداشت و فقیهان، به این دلیل که مسأله کاملاً دینی تلقی می‌شد، آزادی عمل کامل داشتند. اما در یک دولت دینی، عرصه آزادی عمل و اختیارات این فقها بمراتب محدودتر می‌شود.

۵. منابع استخبار متنوع مراجع عظام، اطلاعات ارسالی متفاوت این منابع و استناد آنان به آرای شهود عینی یا منجمان که بعضاً با یکدیگر در تعارض است نیز عامل بروز اختلاف نظر مراجع کرام در موضوع شناسی اعلام روز عید است.

۶. اختلاف نظر مجتهدان در عرف فقهی آن امری طبیعی، مقبول و لازمه دخالت دادن عنصر عقل و اجتهاد است. ولی قهراً اجتهاد عده‌ای بر صواب و قول برخی بر خطا است، اما واضح است که هر یک از ایشان باید بر مبنای اجتهاد خویش عمل کند و مقلدانشان نیز از مراجع خود پیروی نمایند و هر یک تکلیف خویش را انجام دهد و در نهایت همگی نزد خداوند مأجورند:

«للمجتهد المصیب أجران و للمخطی أجر واحد.»

۷. چالش بر سر بهره‌گیری از فناوری نوین نجوم و عکس‌های ماهواره‌ای به منظور تعیین اوضاع ماه در هر منطقه از یک سو، و تقید به قید مشاهده مستقیم به توسط شاهدان عینی عادل یا خود مراجع عظام از سوی دیگر، از

جمله دلایل بروز بحران در موضوع شناسی اعلام روز عید است. توضیح آنکه اغلب فقها همچنان محاسبات نجومی را به جای رؤیت مستقیم هلال مقبول نمی‌دانند و در این کار از سنت نبوی پیروی می‌کنند و از خطای محاسبان و اختلافاتی که در محاسبه‌های آنان رخ می‌دهد بی‌مناک‌اند. از همین روی هم تعیین آغاز صیام را امری طبیعی قرار داده‌اند تا همگان بتوانند آن را با چشم ببینند، نه به امر پوشیده‌ای که جز با محاسبه معلوم نمی‌شود و تنها معدودی در آن مهارت دارند و امکان اشتباه محاسباتی هم در آن می‌رود.^(۱۲)

تبعات و پیامدهای اختلاف

آثار نامطلوب اختلافات شناخت روز عید در محدوده اصطلاحات فقهی و تکلیف‌شناسی، ذیل مبحث «موضوع‌شناسی فقهی» جای می‌گیرد. به عبارت دیگر فی‌نفسه می‌تواند خارج از وظایف موظف فقیه و مرجع باشد، اما به دلایل و فرضیه‌هایی که ذکرشان رفت فقها و مراجع عظام در موضوع‌شناسی آن دخالت کرده‌اند و می‌کنند و در واقع از موضوعات مستنبط است.^(۱۳) ولی وجود این اختلاف‌ها، جامعه و نظام سیاسی را با پیامدهای ناخوشایندی مواجه ساخته است که در اینجا کوشش می‌شود برخی از آن آثار منفی بیان شود. البته این بازتاب‌های نامطلوب را می‌توان به تبعات منفی داخلی و پیامدهای منفی دیگر بدین شرح تقسیم‌بندی کرد:

۱. اختلاف سلیقه‌های روحانیون، بویژه مراجع عظام، به سردرگمی و بلا تکلیفی مردم می‌انجامد و این موضوعی است که از دیرباز در جامعه دینی

ایران قابل طرح است؛ در حالی که هرگونه عامل دودستگی، تفرقه و اختلاف، از امور نهی شده در آیات کلام الله مجید است.

۱.۱. برگزاری نماز عید در دو روز آن هم در یک شهر، حتی در شهر

مقدس قم، چه پیام‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

۲.۱. گزارش درگیری‌های فیزیکی بین هواداران دسته‌ها در برخی از شهرها؛

۳.۱. تعابیر نامناسب در افکار عمومی مبنی بر اختلاف آشکار مراجع دینی،

حتی در سطوح عالی مرجعیت، آن هم در موضوعی که واقعیت عینی دارد؛

۴.۱. درگیری‌های لفظی مقلدان هر یک از مراجع عظام در برخی از موارد

و گلایه‌های بعضی از آنان از رسانه‌های ملی که چرا اثبات روز عید به توسط

مراجع آنان را اعلام نکرده‌اند. (۱۴)

۲. وهن نمادهای دینی از جمله خود دین، عبادات، روزه، شب‌های قدر،

عید فطر و قداست‌شکنی‌هایی که در چنین بسترهایی امکان بروز پیدا

می‌کند. (۱۵)

۱.۲. به تمسخر و استهزا گرفتن این اختلافات در بین آحاد جامعه و

فضاهای عمومی؛

ژورنال‌های علمی و مطالعات فرهنگی

۲.۲. شکستن قبح روزه‌خواری؛

مجموعه علمی و پژوهشی

۳.۲. شکستن حریم روحانیت، بویژه حرمت مراجع عظام در برخی از

موارد.

۳. تبدیل شدن فضای روحانی و آکنده از معنویت، آرامش و طمأنینه ماه

مبارک رمضان به فضایی از اضطراب، تشتت آرا و تردید ناشی از برگزاری

درست یا نادرست اعمال این ماه عظیم، از جمله اعمال شب‌های قدر و در

نهایت برپایی نماز و آداب روز عید فطر.

۴. اختلال در نظم جامعه و ارکان مختلف آن. این بی‌نظمی ناشی از فضای ناامنی، دودلی و بلاتکلیفی است که از آن اختلاف منتج می‌شود.

۱.۴. برخی از مؤمنان برای اینکه در محذور دوجانبه «گناه یا اطاعت» گرفتار نیابند و خود را از تردید روزه‌داری روز آخر ماه مبارک رمضان یا عید گرفتن آن برهانند، بناچار به مسافرت می‌روند و به دلیل بلاتکلیفی متحمل زحمت می‌شوند که این امر در سطح کلان موجب اختلال در جامعه و نظام و کاهش کارآمدی آن می‌شود؛

۲.۴. معدودی از افراد نظیر محصلان مقاطع مختلف و امثال ایشان هم که بعضاً حتی اهل روزه‌داری نبودند روزی را عید می‌گرفتند که به نفع‌شان بود تا بهانه‌ای برای حاضر نشدن در محل درس داشته باشند و این نیز موجب خلل در ارکان جامعه می‌گردد.

۵. هزینه‌های سنگین نظام سیاسی. چون دفتر مقام معظم رهبری روز عید را رسماً اعلام می‌کند هرگونه کاستی در این زمینه، نظام سیاسی را مجبور به پرداخت هزینه می‌سازد.

۱.۵. برخی از افراد ناآگاه چنین اظهار می‌کردند که پیش از انقلاب اسلامی چنین حوادثی رخ نمی‌داد؛

۲.۵. بعضی هم می‌گفتند که در دوران امام خمینی رحمة الله علیه شاهد چنین رخدادهایی نبودند.

چون هنگام بروز اختلاف، قدر مسلم تنها یکی از دو روز اعلام شده، واقعاً عید است و روز دیگر بقیعین عید نیست، بنابراین نوعاً هزینه این اشتباه

متوجه نظامی سیاسی دینی کشور می‌شود و حتی ممکن است در درازمدت به کاهش اقتدار معنوی و هدایتی نظام بیانجامد. زیرا نوعی بار سیاسی ناخواسته بر اثر این اختلافات ایجاد می‌شود که بسیاری آن را ناشی از جنبه سیاسی می‌دانند نه جنبه‌های فقهی یا علمی صرف.

۶. سوء استفاده یا پیش‌بینی سوء استفاده رقیبان و دشمنان. اختلاف آرای مراجع عظام در این موضوع که دارای بازتاب‌های عملی و تکلیفی متعددی در زندگی عبادی، اجتماعی، روانی و سیاسی ملت است و دامنه‌دارتر شدن آن در بین مقلدان و دفاتر هر یک از مراجع معظم، ظرفیت بهره‌گیری گروه‌های فرصت‌طلب و حتی بی‌دین را از موقعیت پیش‌آمده هرچه بیشتر فراهم می‌کند تا خود را از زمره پیروان و هواداران این یا آن مرجع یا فلان رأی جا بزنند. بویژه که پیوسته در یک سوی جریان، دفتر مقام معظم رهبری و موضع رسمی دولت قرار دارد و فرصت‌طلبان برای خدشه‌دار کردن این موضع، از نظریات سایر مراجع که ظاهراً متفاوت با آن است جانبداری عملی می‌کنند و لذا هم به اختلافات طبیعی و علمی و مذهبی بیشتر دامن می‌زنند، هم به آن جنبه سیاسی می‌دهند و هم در صدد برمی‌آیند که اقدامات و عقاید خود را با نزدیک‌سازی به مراجع عظام، از برجسب ضد اسلامی خوردن مصون دارند و به اصطلاح حاشیه امنیتی برای مخالفت‌های سیاسی خود به دست آورند.

۷. پیامدهای خارجی منفی بروز اختلاف‌ها نیز درخور توجه است. چون این شک‌ها و تردیدها عمدتاً در مناطق شیعه‌نشین ایران و نزد مراجع متعدد شیعی به وجود آمده است و سایر کشورها فاقد آن‌اند، لذا این اختلافات در

یک دهکده جهانی و در یک دنیای جهانی شده یا در حال جهانی شدن، پژواکی بین‌المللی پیدا می‌کند؛ و این نکته‌ای است که باید کانون توجه مراجع عظام قرار گیرد. بنابراین در بیرون از کشور و در میان کشورهای مسلمان‌نشین همسایه و یا حتی فراتر از آن، جوامع سنی‌نشین، این‌گونه مطرح می‌شود که مرجعیت دینی شیعه می‌خواهد خود را از بقیه جهان اسلام متمایز کند و شعار و عمل جداگانه‌ای ساز نماید. از همین روی اختلافی که طبیعی است، ناخواسته حمل بر شکاف بنیادین بین مراجع معظم شیعی و گواه صدق عدم حقانیت مذهب تشیع می‌شود!

این حادثه، بهانه‌ای به دست مخالفان درون دینی و اقلیت‌های متعصب می‌دهد تا با دستاویز قراردادن آن، فرصت و خوراک تبلیغاتی و موضوع مناسبی برای تخریب چهره شیعیان به‌طور اعم و نظام سیاسی ایران به‌طور اخص بیابند.

اگر موضوع اختلاف آرای حوزه‌های علمی نجف و قم را نیز در آینده به پیچیدگی موضوع مورد بحث اضافه کنیم و اختلاف مشرب‌های فقهی - کلامی این دو قطب علمی عالم تشیع در نظر گرفته شود، می‌توان پیش‌بینی کرد که آن مسأله در آتیه دارای دامنه‌های گسترده‌تری هم بشود؛ همان‌سان که سرمایه‌گذاری رقیبان و دشمنان برای بهره‌گیری از آن فزونی می‌یابد و حتی ممکن است نوعی هویت دوگانه عربی - عجمی به مسأله دهد و ایران را از جهان عرب جدا سازد.

راه حل‌شناسی

۱. فقه سیاسی شیعه، فقهی متصلب نیست. بلکه پیوسته متناسب با تحوّل

موضوع، حکم‌شناسی نیز متحوّل می‌شود. این بدان معنا است که فقه سیاسی به‌مثابه نظامی است که بین ورودی‌ها، خروجی‌ها، داده‌ها و ستانده‌های آن پیوندهای تنگاتنگی وجود دارد.

فقه ذاتاً دانشی واقع‌گرا و عینی، و فقیه عالمی است که به پرسش‌ها و استفتائاتی پاسخ می‌دهد که برخاسته از نیازهای عینی مردم و اوضاع در حال تطوّر است. به تعبیر نظام‌مند، فقیه پیوسته با برخوردارگی از آبخشور فتاوا و احکام فقهی خود اعم از مثبت یا منفی و براساس پیامدها، تبعات و بازتاب مثبت یا منفی از احکام و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، آن را به‌مثابه موضوع و پرسش جدیدی طرح می‌کند و می‌کوشد تا مسأله را با توجه به تبعات شناسایی‌شده مجدداً بررسی نماید و در واقع پاسخی متفاوت و حکمی نوین ارائه دهد و در حقیقت در معنای اصالت تکلیف و اصالت نتیجه و توجه توأمان به این دو، به درک و استنباطی جدید و در نهایت به یک حکم تازه یا حکم ثانویه رسد. لذا این بازخورد فقهی مثبت یا منفی برای فقیه حجت‌آور است و بی‌توجهی بدان به معنای نادیده گرفتن مصلحت عمومی مسلمانان و مقتضیات زمان و مکان است. تجدید نظر در روش‌های موجود، بویژه آنجا ضرورت پیدا می‌کند که پیامدهای منفی آن بر نظام سیاسی ایران که بنا به دیدگاه بسیاری از فقها حفظ‌کیان آن از بزرگ‌ترین واجبات است، مد نظر قرار گیرد. زیرا این اصل بر هر حکم و اصلی که در تعارض با آن قرار گیرد حکومت می‌کند. «امروزه حکم بسیاری از مسائل جامعه با مصلحت صادر می‌شود» و چه مصلحتی می‌توان یافت که مهم‌تر از ایجاد هماهنگی مسلمانان‌ها در حج و اعیاد و همچنین در بسیاری از مراسم



که مایه وحدت و شکوه و افتخار و عظمت اسلام است، باشد؟» (۱۶)

بنابراین یکی از راه حل های موجود، ارائه تصویری واقع بینانه و درست از تبعات و پیامدهای نامطلوب اختلاف نظرها در سطوح «تحلیل ایران»، «تحلیل منطقه ای جهان اسلام» و «تحلیل بین المللی» و بازتاب جهانی این گونه اختلافات برای علما و مراجع عظام به عنوان امری ثانوی است تا آنها را در صدور حکم جدید لحاظ نمایند.

در واقع برای مراجع معظم وجه سیاسی، اجتماعی و بین المللی اعلام روز عید، واقع نمایی شود و اینکه بر مبنای درک و اجتهاد خویش، به موضوع وجهی فردی ندهند و از اعلام نظرهای شتابزده خودداری ورزند یا محذورات و تبعات منفی دوگانگی را در نظر دارند و بویژه در ابراز آرای خود از قبل با دفتر مقام معظم رهبری هماهنگی نمایند.

۲. طرح دیگر آن است که در اعلام رؤیت هلال حتی المقدور کار به حکم حکومتی نیانجامد. زیرا این راه حل خود موجب مصون ماندن از محذورات پیچیده ای خواهد شد که اجتناب ناپذیر است و به تبع نظام سیاسی کشور نیز در موارد چالش برانگیزی چون اعلام عید فطر آذر ۱۳۸۲، مجبور به پرداخت هزینه سیاسی سنگین نمی شود.

البته در این پیشنهاد مسائلی همچنان لاینحل باقی می ماند:

– مطابق اعتقاد برخی از فقها، موضوع اعلام رؤیت هلال از حقوق ولی امر است که در روایت هایی نیز بدان تصریح شده است. بنابراین نمی توان از حکم حکومتی صرف نظر کرد.

– با توجه به تبعات تکلیف آور موضوع – فی المثل در باره برگزاری نماز عید



فطر و حتی تعطیل بودن این روز - واگذاری آن به مراجع عظام، موجبات اختلاف و تشتت را در امور فراهم می آورد.

- همان مشکلات و پیامدهای منفی بسیاری که بیشتر برشمردیم، ولو با فرض فقدان حکم حکومتی، در جای خود باقی است و حتی احتمالاً با توجه به تکثر مراجع عظام، تشدید هم خواهد شد.

۳. طرح سوم، استفاده از یک سلسله اقدامات مکمل ساز است:

الف. موضوع اعلام رؤیت هلال، موضوع شناسی فقهی است نه حکم شناسی. بنابراین می تواند بر نظریات کارشناسان نجوم متکی باشد و علی القاعده اشتباهات و اختلافات آن باید دامن گیر منجمان شود نه فقیهان.

ب. فقهای آگاه به زمان، تطوّر زمان و مکان و ابزارهای یقین آور را نیز در فلسفه فقه در نظر آورند و همان سان که مثلاً آلت قصاص در قرن پانزدهم

هجری نسبت به صدر اسلام متحوّل گشته است در رؤیت هلال هم در خصوص شرط مشاهده مستقیم و چشم غیر مسلح تجدید نظر نمایند و اجازه دهند فناوری های روز و تصاویر ماهواره ای نیز در هر افق ملاک قرار

گیرد^(۱۷) و معیارهایی که برای کلیّه مراجع عینی و بی طرفانه و یکسان است و در دسترس همه آنان قرار خواهد داشت مورد عنایت واقع شود. همچنین اجازه ندهند که بیش از این فقه اسلامی در معرض تهاجم افراد ناآگاه داخلی و رقیبان آگاه خارجی قرار گیرد و بنابراین موجبات وهن دین را فراهم نسازند.

بخصوص آنکه بحث مذکور، موضوع شناسی است نه حکم شناسی. به تعبیر دیگر، «باتوجه به گسترش علم و فناوری، باید تلاش ما روی این موضوع معطوف شود که بتوانیم «محاسبات دقیق علمی» را به جای «رؤیت» قرار

دهیم و علمای دین بپذیرند که محاسبات علمی می‌تواند نقش رؤیت را ایفا کند.^(۱۸) جالب آن‌که در جهان اسلام بخشی از پیشرفت علم نجوم مدیون همین ملاحظات شرعی بوده است.^(۱۹)

ج. چون اعلام رؤیت هلال بدون مشارکت مراجع کرام امکانپذیر نیست، بنابراین شورایی از اعضای دفاتر مراجع عظام با هماهنگی دفتر مقام معظم رهبری تشکیل شود و آن تشکل پس از کسب نظر عدول مؤمنین در رؤیت ماه، به همراه بهره‌گیری از نظریات کارشناسی منجمان و نیز اطلاعات دریافتی از سایر کشورها، به اعلام رؤیت هلال اقدام کند و در واقع با این کار نظام سیاسی و دفتر مقام معظم رهبری از تبعات و هزینه‌های سیاسی ناخواسته به دور می‌ماند و با رایزنی‌های قبلی، از وقوع چنان ناهماهنگی‌هایی نیز پرهیز می‌شود. زیرا دست‌کم نظریه هر مرجع برای مرجع دیگر به عنوان یکی از عدول مؤمنان حجت آور است.

د. در چنین بستری است که عملاً به آحاد جامعه تسامح و مدارا آموخته می‌شود و اینکه اختلافات فقهی، امری کاملاً طبیعی است و به هیچ وجه برخاسته از هوای نفس و یا جنبه‌های سیاسی نیست.^(۲۰) بنابراین این نکته نیز باید در روشنگری افکار عمومی در دستور کار نظام قرار گیرد تا با جانداختن آن، از تحمیل هزینه‌های مشروعیت‌زدایی این مسأله و همچنین از التهاب روانی آن در جامعه کاسته شود.

نتیجه‌گیری

فقه و اندیشه سیاسی در اسلام پیوسته در مناظره «متن» یا «نص» و یا



اندیشه‌های بشری برخاسته از آن در یک سو، و واقعیت‌ها در سوی دیگر قرار دارد و اندیشه‌های سیاسی در اسلام نمی‌تواند هیچ یک از این دو را نادیده انگارد. زیرا فقه سیاسی بر این پیش‌فرض استوار است که فقه، نظریه زندگی زگهواره تاگور و لازمه آن داشتن دیدگاهی دوجبهی به متون و واقعیت‌ها به‌طور توأمان است. همچنین بی‌توجهی به بازخوردهای منفی نظریات و فتاوا و احکام فقهی، به معنای بی‌عنایتی به «اصالت نتیجه» و اهتمام نکردن به توفیق اسلام در اداره زندگی بشر کنونی است. بویژه در ایران که اختلال در دین و عبادات دینی، خلل در نظام سیاسی و خدشه‌دار شدن آن را نیز از پی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها و مآخذ

۱. نگارنده بر خود فرض می‌داند از همه دانش‌جویان مقطع کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی که از نظرسنجی آنان بهره‌مند شده است تشکر کند. ذکر نکردن نام آنان در قبال هر مشاهده، به سبب رعایت امانت‌داری است.
۲. میرسلیم، مصطفی و فقیه عبداللّهی، حسن. زمستان ۱۳۸۲، «رؤیت هلال»، فصلنامه راهبرد، ش ۳۰، ص ۲۴۵.
۳. خمینی، روح‌الله [بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران]. ۱۳۶۹ ه.ش. صحیفه نور. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ج ۲۱. ص ۴۶.
۴. هم‌او. ۱۳۶۶ ه.ش. استفتاآت. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ج ۱. ص ۳۲۷.
۵. هم‌او. بی‌تا. توضیح المسائل. تهران: انتشارات محراب.
۶. نیز مراجعه کنید به: مصاحبه آیه‌الله رضا استادی (از استادان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در گفت‌وگوی مورخ ۱۳۶۹ ه.ش با سیمای جمهوری اسلامی ایران.

تحقیقات اسلامی

۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی. ۱۳۷۵ هـ.ق. عوائد الایام. قم: مرکز الاعلام الاسلامی. ص ۵۳۸.
۸. همان. ص ۵۴۷.
۹. شهید اول، محمد بن مکی. ۱۴۰۳ هـ.ق. اللمعة الدمشقية. الجزء الثاني. «کتاب الصوم». ص ۱۰۹.
۱۰. صرامی، سیف‌الله. ۱۳۸۰ هـ.ش. احکام حکومتی و مصلحت. تهران: نشر عیبر. صص ۳۴-۳۵.
۱۱. الگار، حامد. نقش روحانیت پیشرو در انقلاب مشروطیت. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس. ص ۸۳.
۱۲. میر سلیم، مصطفی و فقیه عبداللّهی، حسن. همان. ص ۲۵۰.
۱۳. برای مطالعه بیشتر، ← نقائم مقامی، عباس. ۱۳۷۹ هـ.ش. قدرت و مشروعیت. تهران: سوره. ص ۲۹۱.
۱۴. اشاره به گلایه دفتر آیه‌الله العظمی محمدفاضل موحدی لنکرانی در مقطع مورد بحث (هفته اول آذر ۱۳۸۲) به اعلام نشدن خبر اثبات عید سعید فطر از سوی ایشان در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. از مشاهدات و تحلیل دانشجویان طرف مصاحبه و گفت‌وگوی با نگارنده مقاله.
۱۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر. بهار ۱۳۸۳، «رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حل‌ها»، مجله تحقیقات اسلامی (ویژه استهلال)، س ۱۵، ش ۲/ س ۱۶، ش ۱، ص ۲۸.
۱۷. مهریزی، مهدی. ۱۳۷۸ هـ.ش. فلسفه فقه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ هم‌او. ۱۳۷۹ هـ.ش. فقه پژوهی. تهران: سازمان چاپ و انتشار. دفتر اول. صص ۹-۶۲.
۱۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر. به نقل از روزنامه همشهری، مورخ ۹ مهر ۱۳۸۳، ص ۱.
۱۹. نلینو، کرلو الفونسو. ۱۳۴۹ هـ.ش. تاریخ نجوم اسلامی. ترجمه احمد آرام. تهران: خوارزمی. ص ۲۸۴ و پس از آن.
۲۰. اشاره به خطبه نماز عید سعید فطر پنجم آذر ۱۳۸۲ به توسط رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران.

